

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَالْعَصْرِ ﴿۲﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿۳﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

به روزگار سوگند. همانا انسان در خسارت است. مگر آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و استقامت سفارش می‌کنند.

نکته‌ها:

□ در صدر اسلام، مسلمانان هنگام خدا حافظی و جدا شدن از یکدیگر این سوره را تلاوت می‌کردند.^(۱)

□ خداوند در قرآن، به همه مقاطع زمانی سوگند یاد کرده است. فجر: ﴿وَالْفَجْرِ﴾^(۲)، صبح: ﴿وَالصُّبْحِ﴾^(۳)، روز: ﴿وَالنَّهَارِ﴾^(۴)، شب: ﴿وَاللَّيْلِ﴾^(۵)، چاشت: ﴿وَالضُّحَى﴾^(۶)، سحر: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا دُبِرَ﴾^(۷) عصر: ﴿وَالعَصْرِ﴾ گر چه به سحر چند بار سوگند یاد کرده است.

□ در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که منظور، عصر خروج حضرت مهدی علیه السلام است.^(۸)

□ بعضی مراد از عصر را عصر ظهور اسلام گرفته‌اند. بعضی عصر را به معنای لغوی آن یعنی فشار گرفته‌اند، زیرا که فشارها سبب غفلت زدائی و تلاش و ابتکار انسان‌هاست. بعضی مراد

۱. تفاسیر نمونه و در المنثور.

۲. فجر، ۱.

۳. تکویر، ۱۸.

۴. لیل، ۲.

۵. لیل، ۱.

۶. ضحی، ۱.

۷. مدثر، ۳۳.

۸. تفسیر نور الثقلین.

از عصر را عصاره هستی یعنی انسان کامل گرفته‌اند و بعضی آن را هنگام نماز عصر دانسته‌اند.^(۱)

□ خسارت در مال قابل جبران است، اما خسارت در انسانیت، بالاترین خسارتهاست. «ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم»^(۲)

□ سفارش دیگران به حق، ممکن است عوارض تلخی داشته باشد که باید با صبر و استقامت به استقبال آن رفت. «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»

□ فخر رازی می‌گوید: انسان در دنیا مانند یخ فروشی است که هر لحظه سرمایه‌اش آب می‌شود و باید هرچه زودتر آن را بفروشد و گرنه خسارت کرده است.^(۳)

□ با اینکه سفارش به حق و صبر جزء اعمال صالح است ولی به خاطر اهمیت جداگانه بیان شده‌اند. همانگونه که صبر و استقامت نیز حق است و «تواصوا بالحق» شامل آن می‌شود ولی به خاطر اهمیت صبر جداگانه آمده است. «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»

□ قرآن در آیه‌ای دیگر فضل و رحمت الهی را عامل دوری از خسارت شمرده و می‌فرماید: «فلو لا فضل الله عليكم و رحمته لکنتم من الخاسرين»^(۴) بنابراین ایمان و عمل صالح و تواصی به حق، در سایه فضل و رحمت الهی حاصل می‌شود و انسان بدون لطف خداوند، نه هدایت می‌شود که به ایمان برسد و نه اهل عمل صالح می‌گردد.

بازار دنیا

نگاه اجمالی به آیات قرآن ما را به این نکته اساسی می‌رساند که دنیا بازار است و تمام مردم عمر و توان و استعداد خودشان را در آن عرضه می‌کنند و فروش جنس در این بازار اجباری است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «نفس المرء خطاه الی اجله»^(۵) یعنی نفس کشیدن انسان گامی به سوی مرگ است. پس انسان الزاماً سرمایه عمر را هر لحظه از دست می‌دهد و ما نمی‌توانیم از رفتن عمر و توان خود جلوگیری کنیم. بخواهیم یا نخواهیم توان و زمان ما از

۳. تفسیر کبیر.

۲. زمر، ۱۵.

۱. تفسیر نمونه.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۷۴.

۴. بقره، ۶۴.

دست ما می‌رود. لذا در این بازار آنچه مهم است انتخاب مشتری است. افرادی با خدا معامله می‌کنند و هر چه دارند در طبق اخلاص گذاشته و در راه او و برای رضای او گام بر می‌دارند این افراد، عمر فانی را باقی کرده و دنیا را با بهشت و رضوان الهی معامله می‌کنند. این دسته برندگان واقعی هستند، زیرا اولاً خریدار آنها خداوندی است که تمام هستی از اوست.

ثانیاً اجناس ناچیز را هم می‌خرد. ﴿فَن يَعْمَل مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾^(۱)

ثالثاً گران می‌خرد و بهای او بهشت ابدی است. ﴿خَالِدِينَ فِيهَا﴾^(۲)

رابعاً اگر به دنبال انجام کار خوب و بدیم اما موفق به عمل نشدیم باز هم پاداش می‌دهد. ﴿لَيْسَ لِلنَّاسِ اِلا مَا سَعَى﴾^(۳) یعنی اگر کسی سعی کرد گرچه عملی صورت نگرفت کامیاب می‌شود.

خامساً پاداش را چند برابر می‌دهد. ﴿اِضَاعًا مِثْقَالَ حَبِّ خَلْتٍ﴾^(۴) به قول قرآن تا هفتصد برابر پاداش می‌دهد و پاداش انفاق‌های نیک مثل دانه‌ای است که هفت خوشه از آن بروید و در هر خوشه صد دانه باشد.

اما کسانی که در این بازار، عمر خود را به هوسهای خود یا دیگران بفروشد و به فکر رضای خداوند نباشند، خسارتی سنگین کرده‌اند که قرآن چنین تعبیراتی در مورد آنها دارد:

تجارت بد انجام داده‌اند. ﴿بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ انْفُسَهُمْ﴾^(۵)

تجارتشان سود ندارد. ﴿فَمَا رَجَعَتِ تِجَارَتُهُمْ﴾^(۶)

زیان کردند. ﴿خَسِرُوا انْفُسَهُمْ﴾^(۷)

زیان آشکار کردند. ﴿خَسِرَانًا مَبِينًا﴾^(۸)

در زیان غرق شدند. ﴿لَفِي خَسِرٍ﴾^(۹)

در دید این گروه، زرنگ و زیرک کسی است که بتواند با هر کار و کلام و شیوه‌ای، خواه حق و

۳. نجم، ۳۹.

۲. آل عمران، ۱۵.

۱. زلزله، ۷.

۶. بقره، ۱۶.

۵. بقره، ۹۰.

۴. آل عمران، ۱۳۰.

۹. عصر، ۲.

۸. نساء، ۱۱۹.

۷. اعراف، ۵۳.

خواه باطل، زندگی مرفه‌ی برای خود درست کند و در جامعه شهرت و محبوبیتی یا مقام و مدالی کسب کند و در غیر این صورت به او لقب باخته، عقب افتاده و بدبخت می‌دهند. اما در فرهنگ اسلامی، زیرک کسی است که از نفس خود حساب بکشد و آن را رها نکند، برای زندگی ابدی کار کند و هر روزش بهتر از دیروزش باشد. از مرگ غافل نباشد و به جای هرزگی و حرص و ستم به سراغ تقوا و قناعت و عدالت برود.

□ امام هادی علیه السلام فرمودند: «الدُّنْيَا سَوْقٌ رِيحٌ قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ» دنیا بازاری است که گروهی سود بردند و گروهی زیانکار شدند.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- دوران تاریخ بشر، ارزش دارد و خداوند به آن سوگند یاد کرده است. پس از عبرت‌های آن پند بگیریم. ﴿وَالْعَصْرِ﴾
- ۲- انسان از هر سو در خسارت است. ﴿لَفِي خَسِرٍ﴾
- ۳- انسان مطلق که در مدار تربیت انبیا نباشد، در حال خسارت است. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسِرٍ﴾
- ۴- تنها راه جلوگیری از خسارت، ایمان و عمل است. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۵- به فکر خود بودن کافی نیست. مؤمن در فکر رشد و تعالی دیگران است. ﴿تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾
- ۶- سفارش به صبر به همان اندازه لازم است که سفارش به حق. ﴿بِالْحَقِّ - بِالصَّبْرِ﴾
- ۷- ایمان بر عمل مقدم است، چنانکه خودسازی بر جامعه سازی مقدم است. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا... وَ تَوَاصَوْا﴾
- ۸- بدون ایمان و عمل و صالح و سفارش دیگران به حق و صبر، خسارت انسان بسیار بزرگ است. ﴿لَفِي خَسِرٍ﴾ (نکره بودن «خُسِر» و تنوین آن نشانه عظمت خسارت است.)

۱. تحف العقول، کلمات امام هادی.

- ۹- اقامه‌ی حق به استقامت نیاز دارد. ﴿تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر﴾
- ۱۰- جامعه‌ی زمانی اصلاح می‌شود که همه مردم در امر به معروف و نهی از منکر مشارکت داشته باشند. هم پند دهند و هم پند بپذیرند. ﴿تواصوا بالحق﴾ (کلمه «تواصوا» برای کار طرفینی است)
- ۱۱- نجات از خسارت زمانی است که انسان در صدد انجام تمام کارهای نیک باشد گرچه موفق به انجام آنها نشود. ﴿عملوا الصالحات﴾ (کلمه «الصالحات» به صورت جمع محلی به الف و لام آمده است)
- ۱۲- ایمان باید جامع باشد نه جزئی. ایمان به همه اجزا دین، نه فقط برخی از آن. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (ایمان، مطلق آمده است تا شامل تمام مقدسات شود).

«والحمد لله رب العالمین»